

قیام و عادل شمردگی

آر. سی. اسپرول

قیام مسیح چگونه با تفکر عادل شمردگی در عهد جدید مرتبط است؟ برای پاسخ به این سوال، باید ابتدا استفاده و معنای اصطلاح «عادل شمردگی» در عهد جدید را بررسی کنیم. سردرگمی درباره‌ی این موضوع، برخی از شدیدترین مشاجرات در تاریخ کلیسا را برانگیخته است. خود اصلاحات پروتستان، نزاعی بر سر موضوع عادل شمردگی بود. علیرغم تمام پیچیدگی‌های این موضوع، اختلاف حل نشده و حل ناشدنی در مناظره منتهی به این سوال شد که آیا عادل شمردگی ما در حضور خدا بر اساس تزریق عدالت مسیح به ما است که با آن ذاتاً عادل می‌شویم، یا با انتساب، یا به حساب ما گذاشتن عدالت مسیح در حالی که هنوز گناهکار هستیم، است. تفاوت بین این دیدگاه‌ها باعث تفاوت در درک ما از انجیل و نحوه‌ی نجات‌یافتن مان است.

یکی از مشکلاتی که باعث سردرگمی شد، معنای کلمه‌ی عادل شمردگی بود. کلمه‌ی انگلیسی عادل شمردگی (justification)، جاستیفیکیشن، از کلمه‌ی لاتین جاستیفیکر (justificare) گرفته شده است. معنای دقیق کلمه‌ی لاتین، «عادل ساختن» است. پدران لاتین‌زبان تاریخ کلیسا به جای متن یونانی با متن لاتین کار کردند و به وضوح از آن تاثیر گرفتند. در مقابل، واژه‌ی یونانی برای عادل شمردگی، دیکایاسونه (dikaiosune) معنای «عادل به حساب آوردن، حساب کردن، یا اعلام کردن» دارد.

اما این مغایرت بین لاتین و یونانی برای توضیح مناظرات درباره‌ی عادل شمردگی کافی نیست. به نظر می‌رسد درون خود متن یونانی هم مشکلاتی وجود دارد. برای مثال، پولس در رومیان ۳: ۲۸ اعلام می‌کند: «یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود.» سپس یعقوب در رساله‌ی خود می‌نویسد: «آیا پدر ما ابراهیم به اعمال، عادل شمرده نشد وقتی که پسر خود اسحاق را به قربانگاه گذرانید؟» (۲: ۲۱) و «می‌بینید که انسان از اعمال عادل شمرده می‌شود، نه از ایمان تنها» (۲: ۲۴).

به طور سطحی به نظر می‌رسد که تناقضی آشکار میان پولس و یعقوب وجود دارد. مشکل وقتی بزرگتر می‌شود که متوجه شویم هر دو از یک واژه‌ی یونانی برای عادل شمردگی استفاده کردند و هر دو از ابراهیم برای اثبات استدلال خود بهره بردند. این مشکل زمانی می‌تواند حل شود که ببینیم فعل «عادل شمردن» و شکل اسمی آن «عادل شمردگی»، در یونانی معانی مستتر دارند. یک از معانی فعل، «تبرئه کردن» یا «ثابت کردن» است.

عیسی یک بار گفت: «حکمت از جمیع فرزندان خود مصدق می‌شود» (لوقا ۷: ۳۵). منظور عیسی این نبود که حکمت گناہانی دارد که بخشیده شده‌اند یا با فرزند داشتن، توسط خدا عادل محسوب شده است؛ بلکه یک تصمیم حکیمانه می‌تواند با نتایج آن اثبات شود.

یعقوب و پولس به سوالات مختلفی پاسخ می‌دادند. یعقوب به این سوال پاسخ می‌داد که: «ای برادران من، چه سود دارد اگر کسی گوید: «ایمان دارم» وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟» (۲: ۱۴). او می‌دانست که هر کسی می‌تواند ادعا کند ایمان دارد، اما ایمان حقیقی، اعتبار خود را با اعمال پی‌آیند خود نشان می‌دهد. ادعای ایمان با اعمال ثابت می‌شود. پولس عادل‌شمردگی ابراهیم به معنای الاهیاتی آن را دارد که در باب ۱۵ پیدایش، پیش از آنکه او هیچ کاری انجام دهد، رخ داد. یعقوب به اثبات یا نشان دادن ایمان ابراهیم با اطاعت در باب ۲۲ پیدایش اشاره می‌کند.

قیام، عادل‌شمردگی را در هر دو معنای اصطلاح یونانی آن شامل می‌کند. نخست، قیام خود مسیح را عادل می‌کند. البته او به معنای بخشیده شدن گناہانش عادل نمی‌شود، چون او گناہی نداشت، یا به معنای عادل اعلام شدن در حالیکه هنوز یک گناہکار بود، یا به معنای لاتین کلمه که «عادل شمرده شده» است. بلکه قیام حقیقت ادعاهای او درباره‌ی خود را اثبات می‌کند یا نشان می‌دهد.

پولس در برخورد خود با فلاسفه‌ی آتن اعلام کرد: «پس خدا از زمان‌های جهالت چشم پوشیده، الآن تمام خلق را در هر جا حکم می‌فرماید که توبه کنند. زیرا روزی را مقرر فرمود که در آن ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد نمود به آن مردی که معین فرمود و همه را دلیل داد به اینکه او را از مردگان برخیزانید» (اعمال ۱۷: ۳۰-۳۱).

در اینجا پولس به قیام به عنوان عملی اشاره می‌کند که با آن پدر به طور عمومی اعتبار پسرش را اثبات کرد. در این معنا، مسیح با قیام خود در حضور عالم عادل شده است. با اینحال، عهد جدید قیام مسیح را به عادل‌شمردگی ما مربوط می‌کند. پولس می‌نویسد: «بلکه برای ما نیز که به ما محسوب خواهد شد، چون ایمان آوریم به او که خداوند ما عیسی را از مردگان برخیزانید، که به سبب گناہان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد» (رومیان ۴: ۲۴-۲۵). واضح است که عیسی در مرگ کفاره‌ای خود، به جای ما یا برای ما، رنج کشید. به طریق مشابه، قیام او نیز نه تنها به عنوان تبرئه یا ضامن خود او، بلکه به عنوان ضامن عادل‌شمردگی ما دیده می‌شود. در اینجا عادل‌شمردگی به تبرئه‌ی ما اشاره نمی‌کند، بلکه به این شواهد و مدارک که کفاره‌ای که او داد از سوی پدر پذیرفته شد. پدر با اثبات مسیح در قیام او، پذیرش عمل مسیح به نمایندگی از ما را اعلام کرد. عادل‌شمردگی ما در این معنای الاهیاتی، بر پایه‌ی عدالت مسیح قرار دارد که به حساب ما گذاشته شد و بنابراین، حقیقت انجام آن با قیام مسیح

مرتبط است. اگر مسیح برنخاسته بود، ما واسطه‌ای می‌داشتیم که عمل رهایی‌بخش او به نمایندگی از ما، از طرف خدا پذیرفتنی نمی‌بود.

اما مسیح بالفعل از مردگان برخاسته است!

دکتر آر. سی. اسپرول، بنایانگذار سازمان خدمات لیگونیر و بناکننده‌ی کلیسا Saint Andrew's Chapel در شهر سنفورد، ایالت فلوریدا بوده است. ایشان اولین ریس دانشگاه Reformation Bible College بوده و بیش از صد جلد کتاب به رشته تحریر درآورده که می‌توان به قدوسیّت خدا (The Holiness of God) اشاره کرد.

این مقاله در وبسایت [سازمان خدمات لیگونیر](#) منتشر شده است.